

پنجشنبه ۱۸ فروری ۲۰۱۶

ناتور رحمانی

زمین گله مند است ...



زمین گرفتار دهشت زمان
 زبان به شکوه می گشاید
 آی آدم ها !
 چرا در پی ویرانی من استید ؟
 چرا و به چه دلیل
 زهر خشم ، ستم و تباہی را
 در رگ رگ من
 در هر کجای جغرافیای پیکرم جاری می سازید
 چرا و با کدام عناد
 هر کنج و گوشه مرا انبار باروت
 و جنگ افزارهای کشتار جمعی می سازید ؟
 آی آدم ها !
 من نمی فهمم به کجا روانید
 که به دنبال تان
 فقط آثار مرگ و بربادی
 بوی تند آزار و کینه را به جا می گذارید
 بوی مسمیز کننده ای
 که از ژرفنای دل چرک تان بر می خیزد
 و به من می رسد
 من تنها آتش شریر نفس های تانرا می بینم
 که بسیار ظالمانه
 جان و جهان هستی را
 آتش می زند و خاکستر می سازد
 آی آدم ها !
 شما چرا و به چه دلیل نیروی آباد کردن
 گسترش مهر و دوستی را ندارید
 من برای خاموش ساختن ناقوس جنگ
 و فرونشاندن شراره های خشم



جز خود شما کسی را نمی شناسم
 شما آی آدم ها !
 می توانید و توانایی این را دارید
 که از زمره ی تبهکاران نباشید
 تنها به خواست انسانی
 و حقوق همدیگر عمل کنید
 درست است که انسان شدن دشوار است
 ولی محال نیست
 آی آدم ها !
 بیانید از من و داشته های من
 با عشق به آزادی
 عشق به انسان و انسانیت لذت ببرید
 باور کنید هر خرابی که در حقم می کنید
 من با نیروی طبیعی
 دوباره ساخته می شوم و جاویدانه می مانم
 و شما آدم ها
 با آن همه زرادخانه ها و قوه ی تخریبی تان
 با هرآنچه از من به تاراج برده باشید
 و یا به خاطر به دست آوردنش
 از دریای خون گذشته باشید
 و از برای حرص و زیاده خواهی
 شهرها را به گورستان ها تبدیل کرده باشید
 آخرش در دل سرد من
 در گور تنهایی و عاری از همه چیز
 مدفون می شوید
 شبیه سلاطین و امیرها
 شاهان و دیکتاتورها
 که استخوان های آن بیدادگران
 در دل سیاه و تاریک من خاک گردیده است
 که از آن همه حشم و خشم ، جلال و جبروت
 ذخایر به ظلم اندوخته و اورنگ شاهی
 چیزی با خود ندارند
 می دانید آدم ها !
 در پهنای سینه من برای همه جا است
 اگر چپاولگر و متجاوز نباشید



هریکی سفره ی خواهد داشت
وکسی از گرسنگی نخواهد مُرد
پس این همه دهشت و وحشت و جنگ چرا
مگر صلح
و با صلح زندگی کردن چه مشکلی دارد ؟
آی آدم ها !



من هم می توانم آرزوی داشته باشم
آرزو می کنم
که نیکوکاران و راستان
سالکان عشق و مردم دوستی
شایقین آزادی
شیفتگان زیبایی و طبیعت
از آسیب و گزند بدسگالان
مصون و معمور باشند
و مانند هر درخت گشن بار
هر خوشه ی زرین گندم
ساقه سبز هر رُستنی
زالال هر برکه آب
بال پرواز هر پرنده ی آزاد
پیام آور حیات و امید به زندگی باشند .
(ناتور)